

Comparative Comparison of the Characterization of Women in Shahnameh & Kushnameh

Mumtaz Heidari¹

Department of Language, Literature and Cultural Studies, Al-Mustafa Open University, Al-Mustafa International University, Qom, Iran.

Abstract

Women have a special place in most literary works of the world, especially the literature of Iran, considering the time requirements of each period. Women have been able to fulfill their duties well alongside men. However, in some periods we witness the decline of their status and position. The process of women's behavior and conduct is not only present in lyrical and dramatic works, but also in epic works that are derived from deep ethnic, national and religious beliefs, and is well reflected. Meanwhile, Ferdowsi's Shahnameh and Iranshah's Kushnameh make a great contribution to the social history of women in Iran. It is true that in quantitative terms, a much smaller volume of epic works has been devoted to women, but their prominent role in many epic stories cannot be ignored in any way. Ferdowsi's Shahnameh has played a fundamental role in reflecting various aspects of human life in different periods of history. In this valuable work, women are present not only as secondary characters, but also as influential and multifaceted actors with diverse roles such as lovers, wise men, warriors, and sometimes even traitors. This indicates Ferdowsi's deep insight into social structures and the position of women in society. In the Koushnameh, despite its special importance as an epic and cultural work, the personality and role of women have not been given sufficient attention and study. This research deficiency has provided a basis for analyzing the position and identity of women in this work, in comparison with the Shahnameh, to be more necessary.

Keywords: Women, Characterization, Ferdowsi's Shahnameh, Kooshnameh, Social Structure.

¹ mumtaz.haidari@gmail.com

مقایسه تطبیقی شخصیت‌پردازی زنان در شاهنامه و کوش نامه

ممتاز حیدری^۱

گروه زبان، ادبیات و فرهنگ‌شناسی، دانشگاه مجازی المصطفی، جامعه المصطفی العالمیه قم، قم، ایران.

چکیده

زن در اغلب آثار ادبی جهان، مخصوصاً ادب ایران‌زمین، با توجه به مقتضیات زمانی هر دوره از جایگاهی خاص برخوردار است. زنان به‌خوبی توانسته‌اند در کنار مردان از عهده وظایف خویش برآیند. لیکن در برخی از دوره‌ها شاهد نزول مقام و جایگاه ایشان هستیم. فرایند کردار و رفتار زنان تنها در آثار غنایی و نمایشی وجود ندارد، بلکه در آثار حماسی نیز که برگرفته از اعتقادات عمیق قومی، ملی و دینی است، به‌خوبی بازتاب یافته است. در این میان شاهنامه فردوسی و کوش‌نامه اثر ایرانشاه سهرمی با عظمت را در تاریخ اجتماعی ایران درباره زنان بر عهده دارند. درست است که به لحاظ کمی حجم بسیار کمتری از آثار حماسی به زنان اختصاص یافته است، ولی نقش برجسته آنان را در بسیاری از داستان‌های حماسی به هیچ‌روی نمی‌توان نادیده انگاشت. شاهنامه فردوسی، نقشی اساسی در بازتاب ابعاد گوناگون زندگی انسان در دوره‌های مختلف تاریخ ایفا کرده است. در این اثر ارزشمند، زنان نه تنها به‌عنوان شخصیت‌هایی جانبی، بلکه به‌عنوان بازیگرانی تأثیرگذار و چندوجهی با نقش‌های متنوع مانند عاشق، خردمند، جنگجو و حتی گاه خیانت‌کار حضور دارند. این امر نشانگر نگرش عمیق فردوسی به ساختارهای اجتماعی و جایگاه زنان در جامعه است. در کوش‌نامه نیز با وجود اهمیت ویژه‌اش به‌عنوان یک اثر حماسی و فرهنگی، شخصیت و نقش زنان مورد توجه و بررسی کافی قرار نگرفته است. این کاستی پژوهشی زمینه‌ای را فراهم ساخته است که تحلیل جایگاه و هویت زنان در این اثر، به‌طور مقایسه‌ای با شاهنامه، ضرورت بیشتری یابد.

کلیدواژه‌ها: زنان، شخصیت‌پردازی، شاهنامه فردوسی، کوش‌نامه، ساختار اجتماعی.

¹ mumtaz.haidari@gmail.com

۱. مقدمه

شاهنامه و کوش‌نامه صرفاً یک متن ادبی حماسی نیستند، بلکه مجموعه‌ای یکپارچه از اجزا و عناصر درونی و بیرونی به شمار می‌روند که در آن زنان و مردان نقش ایفا می‌کنند. حضور اندک زنان در این آثار، مطالعات ژرفتر راجع به نقش ایشان در شاهنامه و کوش‌نامه را ایجاب کرد. در طول تاریخ ادبیات فارسی، شخصیت‌ها و قهرمانان اسطوره‌ای اغلب به مردان اختصاص یافته‌اند، اما در میان این روایات عظیم حماسی، نقش زنان نیز پررنگ و تأثیرگذار است، گرچه در بسیاری از مواقع نادیده گرفته شده یا کمتر بدان پرداخته شده است. در شاهنامه فردوسی و کوش‌نامه ایران‌شاه نیز، در کنار شاهان، پهلوانان و دلاوران مرد، زنان خردمند، سیاستمدار، دلاور و تأثیرگذار بسیاری حضور دارند که در ساختار کلی داستان نقش کلیدی دارند. زنان در شاهنامه گاه نقش راهنما و خردمند دارند. شخصیت‌هایی مثل رودابه و فرنگیس با خرد و تدبیرشان بر روند داستان‌ها تأثیر می‌گذارند. شخصیت‌هایی مثل گردآفرید نقش قهرمانی نیز ایفا می‌کنند و وارد عرصه نبرد می‌شوند. این امر نشان‌دهنده اهمیت حضور زنان حتی در میدان‌های نظامی است.

شخصیت پردازی عموم زنان در کوش‌نامه مشابه هم است؛ از جمله دو همسر آبتین، همسر کوش و دختران کوش پیل دندان. دو دختر کوش پیل دندان که از تسلیم کردن خود به پدر امتناع می‌ورزند با ویژگی‌هایی متمایز از دیگران ظاهر می‌شوند؛ اما درباره همه این زنان از جمله همسر دوّم آبتین، فرارنگ، که دختر طیهور شاه است اکثر توصیفات، ظاهری است، که اتفاقاً منجر به تشبیهات بدیع و نو در منظومه شده است. البته می‌توان دلیل این تشبیهات را از این روی دانست که همگی زنان در کوش‌نامه ایرانی نژاد نیستند، همسر کوش، دختری از قبیله پیل‌گوشان در خاور زمین است، همسر آبتین، دختر طیهور، شاه ماچین و دختران کوش پیل دندان چینی هستند.

این احتمال وجود دارد که سراینده در زمان سرایش کوش‌نامه بنا بر تصوّرات و تعاریف بازرگانان یا آنچه در کتب دیگر در باب خاور دور تحقیق کرده یا شنیده است، و با توجّه به دوری مسافت که این سرزمین‌ها را بیش از پیش دست نیافتنی می‌یافت در تشبیهات خود از منظومه‌های پیش از کوش‌نامه فراتر رفته است. در کوش‌نامه، شخصیت‌های زن بیشتر به‌عنوان مظهر زیبایی یا الهامات آرمانی معرفی می‌شوند.

در کوش نامه، نقش زن فراتر از بعد خانوادگی می‌رود و به جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی نیز توجه زیادی می‌شود. زنان در این اثر آینه مشکلات اجتماعی دوران خود هستند و از نظر عقلی، اجتماعی و فرهنگی در مواجهه با بحران‌ها و مسائل تاریخی قرار می‌گیرند.

پیشینه پژوهش

در حوزه شاهنامه‌شناسی، مقالاتی چون «جایگاه زن در شاهنامه فردوسی» نوشته دکتر مهدی ماحوزی و «زنان کنش‌گر در شاهنامه» از دکتر ژاله آموزگار، بر شناخت ابعاد مختلف زنان در این اثر متمرکز شده‌اند. در مورد کوش نامه، منابع پژوهشی بسیار محدودتر است، اما برخی پژوهش‌ها نظیر پایان‌نامه دکترای «تحلیل ساختارهای روایی در کوش نامه» توسط دکتر بهرام کیایی، تلاش کرده‌اند تا نقش شخصیت‌های مختلف، از جمله زنان، را بررسی کنند.

با این حال، تاکنون پژوهشی جامع و تطبیقی که نقش زنان را در هر دو منظومه به شکل هم‌زمان تحلیل کند، صورت نگرفته است. بنابراین، این تحقیق می‌کوشد با نگاهی مقایسه‌ای، تصویری دقیق‌تر و علمی‌تر از جایگاه و کنش‌مندی زنان در این دو اثر کلاسیک ارائه دهد.

ضرورت و اهمیت پژوهش

بررسی نقش زنان در متون حماسی فارسی، به‌ویژه در منظومه‌های شاهنامه فردوسی و کوش‌نامه ایرانشاه، از اهمیت بسزایی برخوردار است. در طول تاریخ ادبیات فارسی، زنان اغلب در حاشیه روایت‌ها قرار گرفته‌اند یا نقش آنان صرفاً به ویژگی‌های عاطفی، همسررداری و مادری محدود شده است. با این حال، در متونی چون شاهنامه و کوش‌نامه، نمونه‌هایی از زنان دیده می‌شود که با هوشمندی، شجاعت، خردورزی و حتی کنش‌گری سیاسی و اجتماعی در روند داستان‌ها ایفای نقش کرده‌اند.

پژوهش حاضر با تمرکز بر تحلیل تطبیقی نقش‌های ایفا شده توسط زنان در این دو اثر، می‌کوشد تا جلوه‌هایی از حضور مؤثر و گاه فراموش‌شده آنان را بازخوانی کند. از آن‌جا که شاهنامه و کوش‌نامه دو اثر مهم در گستره ادبیات حماسی فارسی به شمار می‌روند، توجه به بازنمایی زنان در این آثار می‌تواند به درک عمیق‌تری از ساختارهای فرهنگی، اجتماعی و ذهنی دوران‌های تاریخی بیانجامد.

ضرورت این پژوهش از آن‌روست که تحلیل تطبیقی نقش زنان در این دو منظومه، نه تنها می‌تواند وجوه اشتراک و افتراق نگرش‌های حماسی را نسبت به زنان روشن سازد، بلکه می‌تواند پایه‌ای باشد برای مطالعات جنسیتی و ادبیاتی که در فضای ادبیات کلاسیک فارسی، کمتر بدان توجه شده است.

روش انجام پژوهش

تحقیق حاضر مبتنی بر روش تحلیل محتوای تطبیقی است که در آن، شخصیت‌ها، نمادها و دیدگاه‌های مطرح در روایت‌های شاهنامه و کوش‌نامه بررسی و مقایسه می‌شوند.

بحث و بررسی

۲. اشتراکات شخصیت‌پردازی

گسترش تحلیل نقش زنان در شاهنامه و کوش‌نامه و بررسی جنبه‌های خاص دیگر.

جنبه خاص: تفاوت‌های فرهنگی در بازنمایی زنان در شاهنامه و کوش‌نامه

یکی از جنبه‌های برجسته در تحلیل زنان شاهنامه و کوش‌نامه، توجه به تفاوت‌های فرهنگی و رویکرد این متون نسبت به شخصیت‌های زن است. فردوسی، با تأکید بر نقش اجتماعی و فردی زنان، آن‌ها را نه تنها به‌عنوان نمادهای عشق و وفاداری، بلکه به‌عنوان کنش‌گران اجتماعی و تصمیم‌گیرندگان حیاتی معرفی می‌کند. از سوی دیگر، کوش‌نامه با تکیه بر روایات اسطوره‌ای و افسانه‌ای بیشتر بر نقش‌های مادرانه و محافظه‌کارانه زنان تأکید دارد.

۱-۲. زنان به‌عنوان بازیگران اجتماعی و سیاسی

در شاهنامه:

سیندخت، نماد زن خردمند سیاسی در شاهنامه است. او در شرایط پیچیده و بحرانی که عشق زال و رودابه باعث تنش‌های خانوادگی و اجتماعی می‌شود، نقش واسطه را ایفا می‌کند. سیندخت نه تنها خانواده‌اش را از جنگ و آشوب نجات می‌دهد، بلکه نشان می‌دهد زنان می‌توانند در امور دیپلماتیک و سیاسی تصمیم‌های مهم و موقتی بگیرند.

چو از نزد زال آمد آن پاک‌دین چو آگاه شد مهراب با نازنین

(فردوسی، ۱۳۸۶، ج: ۱، ۳۵۷)

گردآفرید نیز نمونه‌ای استثنایی از یک زن جنگجو است که به‌طور مستقیم وارد مبارزه با دشمن می‌شود. اقدام شجاعانه او در جنگ نه تنها از شرافت قوم محافظت می‌کند، بلکه پیام قدرت زنان در دفاع از سرزمینشان را به روشنی می‌رساند.

در کوش نامه:

کوش نامه، برخلاف شاهنامه، در ارائه نقش‌های اجتماعی و سیاسی زنان کمتر جسارت دارد. بیشتر شخصیت‌های زن کوش نامه، همچون پریناز، به‌عنوان بازیگرانی در سایه معرفی می‌شوند که اگرچه نقش مهمی دارند، اما به صورت غیرمستقیم و در ارتباط با خانواده یا قهرمان داستان عمل می‌کنند. با این حال، این نقش‌ها نشان‌دهنده تصویری مثبت از زنان به‌عنوان ستون‌های استواری خانواده است.

۲-۲. زنان و تقابل میان عشق و تعهد اجتماعی

در شاهنامه:

تهمینه، یکی از با احساس‌ترین شخصیت‌های شاهنامه، در ملاقات کوتاهش با رستم، عشق خود را آشکارا ابراز می‌کند و تصمیم می‌گیرد که مادر یک قهرمان (سهراب) باشد. این عشق اگرچه شخصی است، اما به یک تعهد اجتماعی بزرگ منتهی می‌شود؛ او مادر کسی است که سرنوشت شاهنامه را به‌طور قابل توجهی تحت تأثیر قرار می‌دهد.

تهمینه با بیان صریح خواسته‌هایش، قدرت زنانه‌ای فراتر از کلیشه‌های سنتی زمانه خود نشان می‌دهد.

(همان، ج:۳، ۶۹:۴)

در کوش نامه:

کوش نامه عشق را بیشتر به‌صورت نقشی مکمل در زندگی خانوادگی قهرمانان تعریف می‌کند. زنان در این روایت‌ها نه به‌عنوان شخصیت‌های کاملاً مستقل، بلکه به‌عنوان مشوق یا پناهگاه قهرمانان معرفی می‌شوند. پریناز، با همه عشق و علاقه خود، هرگز به اندازه تهمینه از محدوده نقش سنتی زن فراتر نمی‌رود.

۲-۳. تصویر زنان در نقش‌های منفی: خیانت و فریب

در شاهنامه:

فردوسی از جنبه‌های مختلف به شخصیت زنان پرداخته است، از جمله مواردی که زنان به‌عنوان نماد خیانت یا فریب ظاهر می‌شوند. سودابه در داستان سیاوش نمونه‌ای بارز از این زنان است. سودابه تلاش می‌کند سیاوش را به دام عشق خود بیندازد، اما وقتی از او پاسخ نمی‌گیرد، با اتهام دروغین زندگی او را تهدید می‌کند.

سودابه نه تنها به اخلاق خیانت می‌کند، بلکه باعث از بین رفتن سیاوش و تغییرات گسترده در روند داستان می‌شود. این جنبه نشان‌دهنده پیچیدگی زنان در شاهنامه است، چراکه صرفاً نماد خیر یا شر نیستند، بلکه شخصیت‌هایی واقعی با احساسات مختلف‌اند.

در کوش‌نامه:

کوش‌نامه کمتر به جنبه‌های منفی شخصیت زنان می‌پردازد. زنان در این داستان‌ها بیشتر در قالب همسرانی مطیع یا مادرانی دلسوز ظاهر می‌شوند و نقش فعال در خیانت یا فریب کمتر دیده می‌شود. این امر احتمالاً به دلیل جنبه‌های افسانه‌ای و محافظه‌کارانه‌تر داستان‌های کوش‌نامه در مقایسه با شاهنامه است.

۲-۴. جنبه معنوی و الهی زنان در دو متن

در شاهنامه:

شاهنامه گاهی از زنان به‌عنوان موجوداتی مقدس و الهام‌بخش یاد می‌کند. مادر رستم (رودابه) نماد پیوند بین دو جهان متفاوت و پرچمدار تولد قهرمانی مانند رستم است. نگاه فردوسی به این گونه زنان، آنها را به نمادی از قدرت الهی و مادر طبیعت تبدیل می‌کند.

در کوش‌نامه:

در کوشش‌نامه نیز زنان به‌عنوان نگهبانان ارزش‌ها و اخلاق جامعه مورد ستایش قرار می‌گیرند. با این حال، تصویر آنها بیشتر بر جنبه‌های سنتی مانند پرورش و نگهداری خانواده متمرکز است و جنبه‌های گسترده معنوی کمتر مشاهده می‌شود.

۳. تحلیل شخصیت زنان در شاهنامه

زنان شاهنامه دارای شخصیت‌های متنوع و گوناگونی هستند. «توصیف‌ها و تصویرسازی‌های فردوسی از شخصیت‌های شاهنامه به گونه‌ای است که با مقایسه آنها و نظریه‌های شخصیت‌شناسی، می‌توان به نوع شخصیت روانشناختی ایشان پی برد» (علی نقی، ۱۳۹۰: ۲۸) از این منظر در شاهنامه هیچ‌گاه با زنانی روبه‌رو نمی‌شویم که تنها ویژگی‌های شخصیتی منفی داشته باشند و در اکثر مواقع ویژگی‌ها و خصایص نیک و بد در زنان شاهنامه درهم تنیده است. گاهی به زنانی بر می‌خوریم که دارای ویژگی‌های مثبت و نیک هستند و خصلت‌ها و منش‌های زشت و منفی در آنها دیده نمی‌شود. برخی زنان دارای شخصیت‌های پچیده‌ای هستند که در هر داستان، بنا بر روند آن داستان و نیز ویژگی‌های شخصیت خود آنها، به شکل‌های گوناگونی بروز می‌یابد؛ گاه مثبت و گاه منفی.

سودابه تنها زنی است که رویه‌بد او نمایان شده و دیگر روی او بازشناخته نشده است. برخی زنان شاهنامه مکار و نیرنگ‌بازند یا به خوی ناخوش دچارند ولی اکثر ایشان دارای منش، رفتار مثبت و درخور اعتنایی هستند. در بین زنان مهم شاهنامه تنها سودابه است که بدکارگی وی را به هیچ وجه نمی‌توان از یاد برد؛ دیگران یا مثبت‌اند یا ویژگی‌های مثبت‌شان بر ویژگی‌های منفی‌شان غلبه دارد. «فردوسی در جای جای شاهنامه از دلآوری، هوشیاری، خرد و درایت زنان سخن گفته است و آنان را وارد اجتماع نموده و منزلتی والا به ایشان بخشیده است. زنان همچون مردان در دوران‌دیشی، پارسایی و تیزهوشی مورد ستایش قرار می‌گیرند.» (بصاری، ۱۳۵۰: ۵) این نشان از بزرگی و عظمتی است که فردوسی برای زنان قائل است. در این مورد سیندخت همسر مهرباب کابلی، مادر رودابه را مثال می‌زند که با رایزنی و تدبیر خود از جنگ خونین جلوگیری کرد و مهرباب کابلی را متقاعد کرد که به ازدواج زال و رودابه رضایت دهد.

سخن‌ها چو بشنید از پهلوان زنی دید با رای و روشن روان
(فردوسی، ۱۳۸۶، ۱: ۲۵۴)

تئودور نولدکه، مستشرق و شاهنامه‌شناس معروف آلمانی، دربارهٔ مقام زن در شاهنامه می‌نویسد: «در شاهنامه زنان نقش فعالی ندارند؛ تنها زمانی ظاهر می‌شوند که هوس یا عشقی در میان باشد.» (نولدکه، ۱۳۸۴: ۱۱۵) البته این گفته پذیرفتنی نیست؛ زیرا نقش زنان در شاهنامه پیچیده‌تر از آن است که در یک جمله خلاصه شود. اگر بگوییم زنان هیچ نقشی در داستان‌های شاهنامه ایفا نمی‌کنند یا حتی بگوییم نقش مهمی ایفا نمی‌کنند، در حق زنان شاهنامه اجحاف کرده‌ایم. «در هیچ داستانی از شاهنامه نمی‌توان مدعی شد که داستان بدون نقش و تأثیر و حضور زن پایان پذیرد» (اکبری، ۱۳۸۰: ۶۲)؛ این جمله نیز کمی اغراق‌آمیز است؛ زیرا در برخی داستان‌های شاهنامه اصلاً زن حضور ندارد و در برخی دیگر که حضور دارد، ممکن است نقش مؤثری نداشته باشد.

زینب یزدانی نقش زن شاهنامه را فاعلانه می‌داند: «در میان ادبیات منظوم گذشته، شاهنامه تنها کتابی است که زن نقش اساسی و فاعلانه در آن ایفا می‌کند. در شاهنامه زندگی زنانی را می‌خوانیم که تأثیر شگرف و عجیبی در ایجاد بعضی از وقایع و حوادث دارند.» (یزدانی، ۱۳۷۸: ۵۰)

برخی دیگر نیز آن را تأیید می‌کنند: «نخستین امتیازی که از رهگذر استقلال عملکرد و اتصاف و خردمندی برای شخصیت‌های زن در شاهنامه به دست می‌آید، قرار گرفتن در کانون حوادث و ایفای نقش‌های تعیین‌کننده و سرنوشت‌ساز است.» (عباسی، قبادی، ۱۳۸۹: ۱۲۷)

۴. تحلیل شخصیت زنان در کوشنامه

در کوش‌نامه، مانند سایر آثار حماسی، شخصیت‌های زن وجود دارند که نقش‌های مختلفی را ایفا می‌کنند. یکی از مسائل قابل تأمل در این منظومه جایگاه وضعیت زنان است زیرا برخورد کوش، قهرمان غیرایرانی این حماسه، برخلاف سایر آثار حماسی با زنان بسیار ظالمانه و وحشیانه است؛ به نظر می‌رسد این مسأله ریشه در دوران کودکی کوش داشته باشد؛ زیرا به محض تولد کوش، پدرش به دلیل زشترویی او، مادرش را می‌کشد و کوش را طرد می‌کند. زشتی ظاهری و بدبینی کوش بعدها

سبب افراط و تفریط در هوسرانی و اظهار علاقه و عشق به زنان می‌شود. در مقابل قهرمانان ایرانی منظومه به دلیل پرورش در دامن محبت خانواده در نقش فرزندان و همسران رفتاری بسیار انسانی و خردمندانه با زنان دارند.

با این حال، زنان در کوش‌نامه در مقایسه با بسیاری از آثار کلاسیک فارسی بیشتر در زمینه‌های عقلانی، اجتماعی و حماسی مورد توجه قرار گرفته‌اند تا نقش‌های صرفاً عاطفی و شخصیت‌های ساده. در کوش‌نامه، شاهد آن هستیم که زنان به‌عنوان کارگزاران هوشمند در بسیاری از امور جامعه عمل می‌کنند و توانمندی‌های خود را در رسیدن به اهداف انسانی و دنیوی نشان می‌دهند. بیشتر زنان در کوش‌نامه به نوعی از قیام، دفاع از خانواده، اعلامی عدل و شجاعت پرداخته‌اند و از موقعیت‌هایی که برای خود جلب کرده‌اند به‌طور فعال و هوشیارانه بهره‌برده‌اند.

۵. نتیجه‌گیری

شاهنامه و کوش‌نامه صرفاً یک متن ادبی حماسی نیستند، بلکه مجموعه‌ای یکپارچه از اجزا و عناصر درونی و بیرونی به‌شمار می‌روند که در آن زنان و مردان نقش ایفا می‌کنند. حضور اندک زنان در این آثار، مطالعات ژرف‌تر راجع به نقش ایشان در شاهنامه و کوش‌نامه را ایجاب کرد. بررسی تطبیقی شاهنامه فردوسی و کوش‌نامه ایران‌شاه، دو منظومه سترگ اما از دو افق فکری و زمانی متفاوت، نشان می‌دهد که زن در ادبیات حماسی نه صرفاً موجودی حاشیه‌نشین، بلکه گاه نقطه آغاز و سررشته بسیاری از وقایع بنیادین است؛ با این تفاوت که نحوه بازنمایی این جایگاه، تابعی از فضای فکری، ارزش‌دوایی‌های فرهنگی و دغدغه‌های پنهان هر شاعر بوده است.

در شاهنامه، زنان با وجود کمی نقش، کیفیتی عمیق دارند. رودابه، تهمینه، فرانک، فرنگیس و دیگر چهره‌های زن، هر یک در مقطعی از تاریخ اسطوره‌ای ایران، حضوری مؤثر دارند. آنان با خرد، تدبیر، فداکاری و گاه حتی عصیان‌گری، مسیر تاریخ را دگرگون می‌سازند. نگاه فردوسی به زن، آمیخته‌ای از احترام، ستایش و درک جایگاه او در بنای اخلاق و تداوم نسل‌هاست. گرچه در شاهنامه

نمی‌توان انتظار نگرشی مدرن به هویت زن داشت، اما حضور زنانی اندیشمند و آگاه در ساختار روایی اثر، نشان از نگرش متعادل فردوسی به نقش زن دارد.

در مقابل، شخصیت‌های زن در کوش‌نامه اغلب به نقش‌های خانوادگی و همسری محدود شده‌اند. مثلاً فرانک یکی شخصیت‌های محوری در کوش‌نامه است. نخستین زن در تاریخ اساطیری ایران که با خردمندی و دوراندیشی به فرمانروایی فریدون کمک می‌کند و یکی از تأثیرگذارترین زنان در دوره اساطیری شاهنامه و کوش‌نامه در نخستین مرحله از شکل‌گیری جامعه ایرانی است. هر چند در شاهنامه سخن و ردپایی از خاندان و زادگاه او نیست اما در کوش‌نامه دختر پادشاه کشور شیلا در کره جنوبی امروزی است که با آبتین ازدواج می‌کند. در شاهنامه، مادر فریدون و همسر آبتین است. فرانک و آبتین احتمالاً در دهکده‌ای در ایران‌زمین به دور از دسترسی مأموران ضحاک با دامداری و شکار زندگی می‌نمود. آبتین عاقبت به دست کارگزاران حکومت گرفتار و مغزش خوراک مارهای ضحاک شد.

نکته قابل توجه در شخصیت‌پردازی همسر آبتین در این قسمت، این است که ظاهراً زن در اینجا نقش منجی را ایفا می‌کند یا او زنی خردمند است و با توجه به وقایع رخ داده، ضرورت را در این می‌بیند که آبتین را از نقش تقدیر و صلاح خداوند آگاه گرداند.

برخلاف شاهنامه، زنان در کوش‌نامه اغلب وابستگی بیشتری به قهرمانان مرد دارند و شخصیت مستقل چندانی از خود بروز نمی‌دهند. زنان در کوش‌نامه در مقایسه با بسیاری از آثار کلاسیک فارسی بیشتر در زمینه‌های عقلانی، اجتماعی و حماسی مورد توجه قرار گرفته‌اند تا نقش‌های صرفاً عاطفی و شخصیت‌های ساده. در کوش‌نامه، شاهد آن هستیم که زنان به‌عنوان کارگزاران هوشمند در بسیاری از امور جامعه عمل می‌کنند و توانمندی‌های خود را در رسیدن به اهداف انسانی و دنیوی نشان می‌دهند.

منابع

- ابن ابی‌الخیر، ا. (۱۳۷۷). کوش‌نامه (جلال‌متینی، تصحیح). علمی.
- اکبری، م. (۱۳۸۰). شایست و ناشایست زنان در شاهنامه. مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران.
- بصاری، ط. (۱۳۵۰). زنان شاهنامه. انتشارات دانشسرای عالی.
- خالقی مطلق، ج. (۱۳۷۸). برخی از نیرنگ‌های کارزار در کوش‌نامه. ایران‌شناسی، ۱۱(۳)، ۶۶۷-۶۴۹.
- عباسی، ح.، و قبادی، ح. (۱۳۸۹). مقایسه جایگاه زن در شاهنامه فردوسی با ایلپاد و اودیسه هومر. فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی، ۶(۱۹).
- علی‌نقی، ح. (۱۳۹۰). تحلیل شخصیت و نقش زنان در داستان‌های شاهنامه. فصلنامه علمی زن و فرهنگ (۹)، ۵۹-۸۱.
- فردوسی، ا. (۱۳۸۶). شاهنامه فردوسی (جلال‌خالقی مطلق، به‌کوشش؛ چاپ سوم). مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
- متینی، ج. (۱۳۷۸). برخی از نیرنگ‌های کارزار در کوش‌نامه. ایران‌شناسی، ۱۱(۳)، ۶۶۷-۶۴۹.
- نولدکه، ت. (۱۳۸۴). حماسه ملی ایرانیان (بزرگ‌علوی، ترجمه). نگاه.
- یزدانی، ز. (۱۳۷۸). زن در شعر فارسی. فردوس.